که مدت شش ماه در خدمت آفتابه عیسی شب و روز گذرانیدم از و هیچ از الفاظ رفض نه شنیدم الا اولاد و اقربا او تمامهم سب خلفا ثلثه می ورزیدند و منع نمیکرد مگر آنانیکه در پیش او چیزے گفتی این هنگام منع کردے **الغرض** از زبان آلوب عبدالوهاب و عبدالرحمن و عیسی هیچ احدی از عدول نقل کلمه رفض نمیکند و در سائر اولاد و اتباع ایشان یافته میاید پس از روی قیاس و اعتبار در ایشان نیز باشد و الا بعضے اتباع خود را و یا خلفاء خود را بر طریق سنت و جماعت مستقیم مے داشتند مگر مؤید این قول است این حکایت که در کوههاے حدود ما در ختان تارنج بسیار اند همگی بار ترش می آرند مگر درختے از آن میان شیرین بار آورد حتی که طعم او بطعم شیر مشابه بودی تا مردم را در شان او اختلاف افتاد و بعضے گفتند که اصل او شیرین است و بعضے گفتند که این درخت را به شیرتربیت داده اند آخر الامر فرمودیم تا شاخ از اجاے دیگر نهال کرد و به آب تربیت داد و اما بار شیرین آورد و این هنگام دانستم که اصل او شیرین بوده است مگر از ین فرموده اند

رباعے

آنرا که نه دانی نسب و نسبت حالش ❊ او را نبود هیچ گواهی جو فعالش
فی الجمله که درختی که ندانی ثمرش چیست ❊ بارش خبرش آرد کانیست نهالش

وهم ازان روکه عیسی تالیف کرده در باب فضیلت سادات و اهل بیت روایات مرجوحه از تفاسیر بر آن مضمون ثبت نموده و اهل بیت پیغمبر علیه السلام مرتضی و فاطمه و حسن و حسین رضی را دانسته و در اهل بیت بودن بی بی عائشه صدیقه رضی الله عنها شک آورده نعوذ بالله من ذلک ظن و توهم رفض در حق او مؤکد آمد چه در صراح آورده است که اهل کسان و کسان سرای است اگوئید پس حضرت صدیقه چگونه از کسان آنحضرت غیر البشر نباشد و یا از کسان سرای او نباشد با آنکه معنے محکم آیت انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا در شان جمیع زنان خیر البشر آمده زیرا که سیاقت کلام از اول و آخر دلیل برین مضمون است و آنانیکه در

بیان معنی اهل بیت